

کتابخانه

لم داده‌اند آرام
در گوشه‌ای بی حرف
صدها کتاب فلسفه، شعر و علوم آنجا
بی صحبت و همدم
با هم کنار هم
با هم ولی تنها

اشکان پورکیوان

گندم

یک قطره باران
از آسمان بارید
چرخید و هی چرخید
تا لابه‌لای مزرعه گم شد
یک خوشه گندم شد.

عاطفه جوشقانیان

آیه روشن

نگاه کن به خورشید
به چشمه‌های جاری
به سبزی جوانه‌های جنگل
به بارش ترانه بهاری
به چشم کبک و تیهو
به رنگ‌های زرد و سبز لیمو
صدای آفرینش
درون هر پدیده‌ای نهان است
از آیه‌های روشن خداوند
تنوع جهان است

معصومه مرادی

نام دیگر

عباس در همه روزگارها
مانند ماهتاب
چون شعر ناب بود
معنای آب بود
او خود، حکایت خود بود
او خود، نهایت خود بود
در روزگار ما
عباس
قافیه شعر کربلاست
همواره نام او
یاد آور حسین....
یاد آور تمام شهیدان نینواست!
در قلب ما
عباس
نام دیگر دست خدا،
خداست!

جعفر ابراهیمی (شاهد)

نگاهی به آسمان

می‌دانم که مرا می‌بینی
می‌دانم که آنجا هستی
اما منصفانه نیست.

اگر سرم را بلند می‌کنم و آسمان را می‌بینم
می‌دانم آن بالا هستی.

پنهان ماندن بسیار دشوار است،
در آسمان آبی روشن
با گستره‌ای از ابرهای سفید.

تو چگونه می‌توانی جایی باشی
اما نتوان تورا دید؟
عاقبت

روی زانوانم بر زمین می‌نشینم
چشم‌هایم را می‌بندم و به تو می‌اندیشم.

اگر تو آن باشی که می‌گویی
پس خواهش می‌کنم مرا در پناه خودت بگیر
برای این که باورت می‌کنم

الیزابت مک کروری
مترجم: مجید عمیق

از تو

ای سبزی سبزه بهاران از تو
وی سرخی روی گل عذران از تو
آه دل و اشک بی‌قراران از تو
فریاد که باد از تو و باران از تو
**

در دل دردی‌ست از تو پنهان که می‌پرس
تنگ آمده چندان دلم از جان که می‌پرس
با این همه حال و در چنین تنگدلی
جا کرده محبت تو چندان که می‌پرس
**

ای جمله بی‌کسان عالم را کس
یک جو کزمت تمام عالم را بس
من بی‌کسم و تو بی‌کسان را یاری
یا رب تو به فریاد من بی‌کس رس
**

ای از تو به باغ هر گلی را رنگی
هر مرغی را ز شوق تو آهنگی
با کوه ز اندوه تو رمزی گفتم
برخاست صدای ناله از هر سنگی
**

غمناکم و از کوی تو با غم نروم
جز شاد و امیدوار و خرم نروم
از درگه همچو تو کریمی هرگز
نومید کسی نرفت و من هم نروم

ابوسعید ابوالخیر
عارف قرن چهارم
و پنجم هجری